



# خون انسان احترام

... ولا تقتلوا النفس التي حرام الله الا بالحق ذلكم وصاكم به لعلكم تعقلون :

انسانی را که خدا محترم شمرده است جز به حق مکشید ، این است چیزهایی که خدا شمارا به آنها سفارش کرده است ، تا در آنها بیندیشید . آگاهی از ابعاد مثبت روحی انسان ، و شناسائی مقام و موقعیت او در قرآن و تشریح ارزش های روحی و جسمی او که در این کتاب به آنها اشاره شده است ، یکی از مباحث مهم قرآن را تشکیل می دهد که باید در موقع مناسبی تحت عنوان : « انسان در قرآن » مطرح گردد .

در قرآن مقام منیع انسان به گونه ای بدیع که حاکی از عظمت و مقام والای او است ، مطرح گردیده و او را بشیوه خاصی که در خورشیح مخلوقی جزا و نیست ، معرفی کرده است . قرآن انسان را خلیفه و جانشین خدا در طبیعت ( ۱ ) و یگانه فردی که لیاقت و شایستگی حمل بار امانت را دارد ( ۲ ) معرفی کرده است .

انسان از دیدگاه قرآن ، متعلم از جانب خدا ( ۳ ) : معلم فرشتگان ( ۴ ) ، قدرتمند و

۱ - انی جاعل فی الارض خلیفه - بقره آیه ۲۹

۲ - انا عرضنا الامانة علی السماوات والارض والجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها

و حملها الانسان - احزاب آیه ۷۲

۳ - علم الانسان ما لم یعلم - علق آیه ۵ و نیز آیه و علم آدم الاسماء (سوره بقره آیه ۳۱)

۴ - قال یا آدم انبثهم باسماهم - سوره بقره آیه ۳۳

مسلط بر خشکی‌ها و دریاها (۵) که به بهترین وجه آفریده شده است (۶) معرفی گردیده است .  
 به پاس این ابعاد مثبت روحی او ارزش‌هایی که در بازار خلقت و آفرینش دارد ، خون  
 او ، آبروی او ، مال او ، حتی مردهٔ او را محترم شمرده است و این نوع احترام‌های چهارگانه ،  
 معلول انسانیت او است مشروط بر این که بوسیله کفر و شرک ، یا ظلم و ستم از ارزش خود نگاهد.  
 احترام به جان بشر و تعزیم قتل انسان یکی از شاخه‌های احترام به انسانیت است و به  
 خاطر همین احترام است که قرآن در سه مورد جامعهٔ بشر را با آیه زیر مخاطب می‌سازد :

### ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق (۷)

: انسانی را که خداوند محترم دانسته است جز به حق مکشید .

قرآن در تثبیت احترام جان مسلمان ، به این مقدار اکتفاء نمی‌کند ، بلکه با بیانات  
 مختلف و تعیین کیفرهای گوناگون ، از خون‌ریزیهای ناحق در جامعهٔ انسانی جلوگیری  
 می‌نماید ، اینک به برخی از این بیانات اشاره می‌شود :

\* \* \*

۱ - قرآن خون‌ریزی بی‌جهت و ظالمانه را آنچنان گناه بزرگ تلقی می‌کند که قتل  
 يك فرد از انسان‌ها رابه منزله قتل تمام انسان‌ها می‌داند چنانکه می‌فرماید :

من قتل نفسا بغير نفس او فساد في الارض فكانما قتل الناس  
 جميعا (مائده ۳۲)

: هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا ایجاد فساد در روی زمین  
 بکشد گویی همهٔ انسان‌ها را کشته است .

البته هرگز نباید يك چنین تضاد و داوری را مبالغه و اغراق تلقی کرد ، زیرا قرآن در  
 این داوری منطقی دارد که بر گروهی که از خصیصه‌های انسانی آگاهی دارند ، مخفی و پنهان  
 نیست زیرا :

فرد قاتلی که دست خود رابه خون بی‌گناهی می‌آلاید ، آنچنان آمادگی روحی دارد  
 که دیگر انسان‌های بی‌گناه را که از نظر انسانیت و بی‌گناهی با این مقتول مساوی و برابرند  
 نیز بکشد ، او انسان گرسنه‌ای است که طعمه او را قتل انسان بی‌گناه تشکیل می‌دهد ، و  
 برای او ، قتل این بی‌گناه ، یا آن بی‌گناه تفاوتی ندارد .

۵ - ولقد کرمنا بنی آدم وحملناهم فی البر والبحر اسراء آیه ۷۰

۶ - لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم - تین آیه ۴

۷ - به سوره‌های ۱۵۱ - اسراء - ۳۳ - فرقان ۶۸ مراجعه شود

همانطور که آدم‌های بدسگال و بدسرشت آماده کشتن تمام انسان‌های بی‌گناه هستند ، در برابر آنها ، افرادی که سرشت که به حکم عاطفه انسانی، فردی را از مرگ نجات می‌دهند، این آماده‌گی را ندارند که برنامه احیاء انسان‌ها را درباره تمام افراد انسان‌ها اجراء کنند ، آنان هدفی جز نجات انسان‌ها ندارند هر چند قدرت آنها محدود است .

از این نظر قرآن همان قضاوت را، نیز درباره فردی که انسانی را از مرگ نجات داده است تکرار می‌کند و می‌فرماید :

**ومن احياهافكانما احياناالناس جميعا (مائده ۳۲) :**

هر کس انسانی را از مرگ رهائی بخشد ، مثل این است که تمام انسان‌ها را نجات بخشیده است .

از این گذشته افراد جامعه انسانی ، بسان اعضای يك پیکره شمار می‌روند، همچنانکه لطمه بريك عضو، خواه ناخواه ملازم بالطمه بر اعضای دیگر است، همچنین فقدان يك فرد، ضربه بر همه افراد جامعه بشمار می‌رود و جامعه انسانی از این رهگذر ضرر می‌بیند ، زیرا هر فردی به سهم خود در ساختن يك اجتماع بزرگ و رفیع نیازمندی آن ، مؤثر می‌باشد .

\* \* \*

۳- قرآن خونریزی رانخستین گناه می‌داند ، که در روی زمین انجام گرفته است و در این مورد ، داستان « هابیل » و « قابیل » فرزندان آدم را مطرح می‌کند که دومی اولی را کشت و قرآن در این زمینه چنین می‌فرماید :

**فطوعت له نفسه قتل اخيه فقتله فاصبح من الخاسرين (مائده ۳۰)**  
نفس سرکش تدریجاً او را به کشتن برادر مصمم کرد ، او از زیانکاران شد .

\* \* \*

۳- قرآن قتل مؤمن بی‌گناه را آنچنان بدعاقبت توصیف می‌کند که در دیگر جرائم دیده نمی‌شود چنانکه می‌فرماید :

**ومن يقتل مؤمنا متعمدا فجزائه جهنم خالدا فيها و غضب الله عليه ولعنه واعد له عذاباً عظيماً - نساء آیه ۹۳**

: هر کس فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند مجازات او دوزخ است که جاودانه در آن می‌ماند ، و خداوند بر او غضب می‌کند و از رحمتش او را دور می‌سازد و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است .

در این آیه برای کسی که فرد با ایمانی را عمدآبکشد چهار کیفر شدید اخروی قائل شده است :

۱ - در دوزخ جاودانه می ماند = **فجزائه جهنم خالداً فیها**

۲ - خشم الهی او را فرامی گیرد = **و غضب الله علیه**

۳ - از رحمت خدا دور می گردد = **ولعنه**

۴ - به عذاب بزرگ گرفتاری گردد = **واعده عذاباً عظیماً**

این چهار مجازات مربوط به کیفرهای اخروی است و از نظر افراد سطحی شاید این چهار مجازات به یک کیفر بازگشت کند ولی در نظر افراد واقع بین ، هر یک از اینها ، مجازات مستقلی است ولیکن چون ما از کم و کیف مجازات های اخروی اطلاع نداریم ، طبعاً نمی توانیم این چهار کیفر را از هم به دقت جدا سازیم .

بطور مسلم ، مجازات چهارمی ، غیر از خلود در آتش است ، زیرا چه بسا ممکن است گروهی معذب در آتش باشند اما مصلحه نباشند ، خود خلود و جاودانگی در دوزخ ، غیر از عذاب بزرگ است که در کمین قاتلان و جانپان قرار گرفته است .

### آیا قاتل مؤمن در آتش مخلد است ؟

برخی تصور کرده اند که قاتل فرد با ایمان مطلقاً به حکم کیفر نخست (خالداً فیها) که آیه یاد آور می شود ، در آتش جاودانه است .

ولی گروهی از مفسران ، آیه را مربوط به قاتلی می دانند که فرد با ایمان را به خاطر داشتن ایمان که خود مایه کفر است ، به قتل برساند ، و جای بحث نیست که چنین قاتلی بی ایمانی در آتش ، جاودانه خواهد بود .

برخی دیگر احتمال می دهند که مقصود از « خالداً فیها » عذاب طولانی است که در نظریه صورت یک عذاب مخلد جلوه می کند .

در هر حال آیات دیگری که حاکی از آن است که خداوند تمام گناهان را می بخشد ، این دو نظر اخیر را تأیید می کند چنانکه می فرماید :

**ان الله لا یغفر ان یشرك به و یغفر ما دون ذلك لمن یشاء**

نساء آیه ۴۷

: خداوند تنها گناه شرك را نمی بخشد اما غیر آن را برای هر کس که بخواهد می بخشد .

و باز در سوره زمر آیه ۵۳ می فرماید :

**ان الله یغفر الذنوب جمیعاً انه هو الغفور الرحیم :**

خداوند تمام گناهان را می بخشد ، او آمرزنده و مهربان است .

از این جهت می توان گفت : توبه واقعی چنین فردی ، پس از پرداخت دیه ، پذیرفته می شود ، هر چند تحصیل چنین توبه بسیار کار مشکل و پیچیده ای است .

\* \* \*

۵ - در اهمیت جان انسان همین بس که قرآن قاتل خطا کار را هم رها نکرده و جریمه هائی برای او معین کرده است :

و من قتل مؤمنا خطاء فتحریر رقبة مؤمنة و دية مسلمة  
الی اهله نساء آیه ۹۲ :

اگر کسی فرد با ایمانی را از روی خطا بکشد باید برده مسلمانی را آزاد کند و خون بهای مقتول را به صاحبان خون بپردازد . (۸)

در این آیه برای جبران يك چنین کار ، دو موضوع بیان شده است :

۱ - آزاد کردن برده است که در واقع جبران خسارت اجتماعی کشته شدن يك فرد با ایمان محسوب می شود زیرا اگر فرد آزادی از طریق قتل از جامعه کم شده است ، با آزاد کردن برده این خسارت جبران می گردد و فرد آزادی بر جامعه افزوده می گردد .

۲ - پرداخت دية است و در حقیقت این کار ، يك نوع جبران خسارت اقتصادی است که در کشته شدن يك فرد بر خانواده مقتول وارد می گردد البته هرگز نباید « دية » را قیمت خون مسلمان اندیشید بلکه خون فرد مسلمان بالاتر از آن است که با پول جبران گردد . و نیز هرگز نباید تصور کرد که خطاهای مجازات ندارد ، زیرا بسیاری از خطاهای قابل پیشگیری است اگر اسلام برای چنین قتلها جریمه ای معین نمی کرد ، دائرة آن گسترش می یافت . از این گذشته هدف این است که بشر توجه کند که مسأله خون يك مسأله ساده نیست که به بهانه خطا مسئولیت متوجه قاتل نگردد .

\* \* \*

۶ - قرآن به همین مقدار از کیفر اکتفا نکرده است بلکه در قتل عمدی مسئله قصاص را نیز مطرح می کند و در آیه مورد بحث هم به این حقیقت با جمله « الا بالحق » اشاره مینماید

۸ - در ذیل همین آیه دو نوع قتل خطا نیز وارد شده است که فعلا از بیان آنها خودداری می گردد .